

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

دگروال متقاعد: همایون نصرتی
۰۷ سپتمبر ۲۰۲۲

"عروسی ما مردم در خارج از افغانستان"

قسمت (۴)

رقص: آغاز رقص از فامیل عروس و داماد شروع می شود تا ترسک همه برطرف شود. بسیاری به هر نغمه می توانند رقص کنند اما بعضی انتظار دارند و یا فرمایش می دهند تا ساز و خواندن مورد نظر شان اجراء گردد، رقص به قسم جوړه ئی و هم یکه اجراء می گردد. کسانی که در رقص مهارت دارند با حرکات موزون خوب مجرائی می دهند و رفقاء و خواهرخوانده ها به اشاره یک دیگر را می فهمانند که رقصه سیل کو.

آنهايي که رقص شان مزه ندارد و وادار به رقص شده اند با اندک دست و پای زدن مجرائی به پایان می رسد. بعضاً آنقدر اشتیاق رقص دارند، هر بار می بینی در میدان حاضرند. بسیاری دل شان می خواهد اما منتظرند تا کسی آنها را گرفته به میدان ببرد و با بعضی ها آنقدر کش و گیر صورت می گیرد که فکر می کنی گوسفندی را به قربانی می برند.

بسیار اتفاق می افتد کسانی را که دو سه مرتبه از چوکی حرکت می دهند ولی نتیجه نداشته منصرف می شوند. یکبار ببینی خانمی بوت ها را یکطرف گذاشته و پای لُچ به بسیار شوق و هیجان رقصیده و توجه همه را جلب می کند، واقعاً به اجرای رقص خود ایمان دارند. در ادامه رقص ها یکتعداد سیل بین در اطراف میدان رقص بدون موجب مزاحم دید دیگران می باشند، گرچه چندین مرتبه به اوشان گوشزد می شود که اینجا ایستاده نباشید، چند دقیقه دور می شوند باز هم همان خُرک و همان درک.

میدان رقص هم بدون غیبت نیست یکی می گوید "چه جبر اینقدر لباس تنگ و تُرش، دیگری باد بخوره اوره کتی رقصش، آفرین به او که با این بوت کُری بلند چطور می رقصد، مادر داماد آخ دل خود را کشید ولی مزه مادر عروس نبود، به ماه گل جان شرم است به این سن و سال رقصیدن، امروز یا فردا صاحب کواسه می شی." "عروس خیل را مَچم چه بلا زده خال خال می رقصند. مادر او بچه برادر داماد نیست؟ یکبار خواهش کرد رقصیدم باز شله شد چقدر چشم سفید و بی نزاکت."

زن به شوهر: "او دو تا زن را می بینی به ای چاقی چه جبر لباس استرجی شکم و سُرین و گوشت های زیر بغل هر طرف لر کرده، بسیار بدنما دلم از رقص بد شد. چطور شوهران بی غیرت شان هم افتخار می کنند چند بار شده

می رقصد و بسیار خوشحال و با خنده می رقصد". مرد می گوید: "به مه و تو چه هرکس دلش." "معلومات دار اما انسان نباید خود را انگشت نما ساخته و مورد تبصره مردم قرار دهد هرچیز حدی دارد."

عه ای هم تعریف چه جوانها و چه خانمها و آقایان را می نمایند که با لباس موزون و حرکات زیبا می رقصند. تقاضای ساز مست بسیار زیاد است ضمناً یکی ساز لوگری، دیگری قطغنی. از فلم های هندی فرمایش می دهند.

در آخرهای شب رقص اتن، بعضاً تنها مردها و در بعضی محافل همه اشتراک دارند. اتن یک رقص دسته جمعی زیبا و حرکات موزون دارد اما فکر نمی کنم در باره اتن کدام رهنمود و قواعد و اساس وجود داشته باشد و کدام نسخه چاپی در دسترس باشد، زیرا شروع اتن با کدام حرکات و سرعت باشد. چرخ زدن، دور زدن، نیمه دور زدن، سر تکان دادن، جلو و عقب و چپ و راست حرکت کردن، پای انداختن و چک چک کردن و از همه مهم حرکات پا و غیره همه قواعد دارد.

در ممالک دیگر اینطور رقص ها هم نوت چاپی دارد هم معلم و هم کورس. از اینرو اجرای اتن توسط مردها یکسان و همگون نبوده به اشکال مختلف اجراء می گردد.

رقص عربی : بنا به دستور، ساز چپ است و میدان خالی خالی، به یکبارگی یک یا دو خانم با لباس مخصوص خودشان در وسط میدان ظاهر شده و با نغمه مورد نظر می رقصند و به وقت معینه صحنه به پایان می رسد. البته دید و نظریات و اعتقاد اهل مجلس فرق دارد. یکی می گوید "خانم های خوشگل و هیکل های زیبا، چه رقصی راستی حظ کردم." دیگری "چه جبر نمی دانم چند گرفته باشند حیف پول"، آن یکی "نمی دانم این رقص چطور در مجلس های ما رواج یافت. ما مردم خدا یارجان ما در برداشت و تقلید کارهای منفی از همه پیشتریم"، "راست گفתי برادر، عقل و منطق برای چه است چرا اعمال ما کور کورانه است. این نوع رقص بی مورد و خلاف کلتور و اعتقاد همه ماست، از دلم گپ زدی نسل جوان از ما چه یاد بگیرند؟"

انتقال عروس به محل عروسی و تخت عروس و داماد :

کوشش برآنست هرچه بیشتر نوآوری برای زینت تخت، میز و چوکی و دیکور عقب تخت، شمع دان، صراحی شربت خوری و آئینه و شال و کیک و چند دسته گل زیبا تهیه گردیده بی نظیر باشد.

بردن عروس به محل باید بسیار با شکوه و با دبدبه صورت گرفته شاید یکی با موتر لموزین، دیگری با عراده سفید یا جگری گل پوش، شاید با اسب و گادی، دیگری بعد از چکر مختصر توسط کشتی یا هلیکوپتر موضوع حل گردد. این مراسم در بین مردم به دو نوع رایج است یکتعداد شب قبل که آن را شب حنا یا خویش خوری می گویند عروس و داماد لباس سبز و سیاه به تن داشته نکاح شان بسته شده و فردا عروس با لباس سفید وارد محفل می شود.

عه ای دیگر در زمان مد نظر عروس با لباس سبز و داماد با لباس مورد نظرش جهت عقد نکاح وارد مجلس شده بالای تخت در گوج قرار می گیرند. بعد از مدتی یا این که عقد در غیاب آنها توسط وکلای شان صورت گرفته یا شخصاً خودشان در عقد حصه می گیرند و بعد از ختم غذا عروس با لباس سفید حاضر مجلس می شود.

انتقال عروس یا با تخت روان یا دُلی یا پیاده هردو با بدرقه جمعی از جوانان دختر و پسر و تعدادی از خرد سن ها در حالی که شمع یا گل و یا پارچه رنگه به دست دارند با لباس های سفید و واسکت و یا دامن چتری بُرش در پیشاپیش به همراهی دو سه دختر جوان در پشت سر به قسم نظاره گر، به مجرد خواندن آهسته برو قدم بر می دارند. صحنه بسیار زیبا و هیجانی و به صورت گل خاطره انگیز است .

بعضی فامیلها صِرف پدر و مادر و خواهر و برادر عروس و داماد آنها را به تخت می رسانند. همه اهل مجلس به استقبال آنها به پا می ایستند و چک چک می نمایند. مجلس باز هم خالی از تبصره نیست، مثلاً "نمی دانم چه گپ بود

که آمدن شان اینقدر تال خورد"، "چرا داماد گرفته و لب و رویش تُرش است"، "می گویند پیراهن عروس دو هزار یورو خرید شده. چه فرق می کند شُکر دارند".

مجلس گرم تر و جذاب تر می شود و حتی یکتعداد روی فرش صالون می رقصند. بسیار دیده شده، اعضای نزدیک فامیل سه بار لباس تبدیل می کنند یکی در شروع دوم در نکاح و سوم بعد از صرف غذا. خانمها مخصوصاً متوجه زیورات یکدیگراند چه انگشتر باشد و چه دستبند، بازو بند، گردن بند، لاکت، شلشله و کمر بند. نظر به وزن و تعداد فکر می شود شاید از خود کلکسیون داشته و یا خودشان مغازه طلا فروشی دارند. در ضمن رقص، همه تلاش دارند جهت تبریکی به تخت نزدیک شوند، هریک بعد از بغل کشی و سه بار روبوسی و تبریکی اینطور معلوم می شود که سالها ندیده باشند منتظر اند تا عکاس از آنها یکی دوعکس گرفته باشد به همین ترتیب نفر دوم الی اخیر. خانمها هرکدام به نوبت با عروس سه بار روبوسی کرده تبریک و احوال پرسی می نمایند. اگر به تعداد حاضران مجلس محاسبه شود بغل کشی و روبوسی کم از کم با داماد ششصد مرتبه و با عروس هم کمتر از ششصد مرتبه نیست. کسی فکرنمی کند که آنها به کدام حد زله و خسته شده اند. متوجه آرایش عروس نیستند، این که روی هریک چه مقدار مرطوب و عرق پُر است تحمل ناخوش بوی دهن ها هرکدام تکلیف ده است.

شراب نوشیدن:

برای انجام یک عمل یا کاری ابتداء باید معلومات حد اقلی پیش زمینه باشد. در مملکت ما بر علاوه این که شراب از جمله محرمات بوده، جز کلتور نبوده با آنهم یکتعداد اشخاص، فهمیده یا نفهمیده شراب می نوشند. مشروبات الکحلی در اروپا جزء کلتور شان بوده از نوشیدنی های شباروزی آنهاست. تجربه و چشم دید جوانها از پدر و مادر شروع، دوستان، اجتماع، تلویزیون و مجله همه اثر داشته تا جواز نوشیدنی معلومات کافی به دست دارند. می دانند نوشیدن مشروب در محافل، مجالس، مجالس فامیلی، دیدو بازدید ها و مجالس رسمی فرق دارد ضمناً با نوعیت و درصد شراب آشنا و سن و سال، روز و شب، حالت معده و حالت روحی مد نظر شان است حتی سائیز و ساختمان پیک برای هر مشروب فرق می کند.

می آئیم در صالون عروسی چه قبل از غذا و چه بعد از آن، متوجه می شوی تعدادی از خانم ها دور میز قرار دارند و مرد ها درک شان نیست. در پارکینگ عراده جات تول بکس های موتر باز است و به گروپ ها دور هم جمع یا بعضاً ایستاده و یا در سیت موتر نشسته فرق نمی کند تاریکی باشد یا نور چراغ، پیک چینی باشد یا کاغذی یا از دهن بوتل، نوعیت و درصدی هم مطرح نیست فقط پیک ها ریخته شده و به سلامتی نوش جان گردد. خال خال بوتل را در زیر میز صالون قرار داده و قاچاقی می نوشند. خانم ها خُلق تنگ شده یکی به پسر خود می گوید "باز پدرت رفت که زهر مار کند"، "دخترم شرم است بیی بابیت کجا خوده گم و گور کرده!"

دیگری: "پدرت در جای خود سنگین نشسته بود اونمو فساد پیشه همیشه می آمد و او را باخود بُرد." بعضاً خانم ها بیرون رفته تا به هر قسم شده آنها را برگردانند. بعضی در سیت موتر دراز کشیده و چند تائی به محفل نشئه برمی گردند و بعضاً با بگو و نگوی فامیل مواجه می شوند. البته باید یادآور شد که پولیس از عروسی ما مردم تجربه دارند در ختم عروسی با یک فاصله منتظر است و بعد کنترول، بسیاری لایسانس خود را از دست داده اند. ادامه دارد...